

مستدرکی بر نهج البلاعه در میان نسخه‌های خطی نهج البلاعه - محمد جعفر اسلامی
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال دهم، شماره ۳۷ «ویژه حدیث»، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۳۸ - ۱۵۷

مستدرکی بر نهج البلاعه در میان نسخه‌های خطی نهج البلاعه

* محمد جعفر اسلامی*

چکیده: از آنجا که نهج البلاعه دربردارنده بليغ‌ترین و فصيح‌ترین خطبه‌های امير المؤمنين علیه السلام است، عالمان، محدثان و ادباء بسياري پس از تأليف اين كتاب، شروع به نوشتن شرح، حاشيه و استدراک بر اين كتاب گران‌سنگ کردند. از جمله اين مستدرک‌ها می‌توان به مستدرک احمدبن ناقه (م ۵۵۹ ق) اشاره کرد که داشتن خطبه‌هایي مانند: الدرة اليتيمة، الأقاليم، البيان، از ویژگیهای اين مستدرک است. يادآوری می‌شود که اين خطبه‌ها در هیچ یك از مصادر روایی موجود به طبع نرسیده است.

کليدواژه‌ها: نهج البلاعه / مستدرک نهج البلاعه / احمدبن ناقه.

Email: Mjislami9@gmail.com

*. دانشپژوه سطح ۳ حوزه علمیه خراسان.

مقدّمه

از آنجاکه امیرالمؤمنین علیه السلام فصیح‌ترین خطیبان است و به گفته ابن عباس: «کلام علی پایین تراز کلام خالق و بالاتر از کلام مخلوق است» (ابوالبرکات شافعی، ج ۱، ص ۲۹۸)، در طول تاریخ، عالمان، محدثان و ادبیان بسیاری به جمع کلمات و خطبه‌های ایشان اقدام کرده‌اند. نخستین کسانی که به این کار دست زدند، اصحاب خود امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان حیات ایشان بوده‌اند؛ مانند حارت امور همدانی (کلینی، ج ۱، ص ۱۴۱؛ طوسی، ص ۱۸۱)، زید بن وهب جهنی (طوسی، ص ۱۳۰؛ معالم العلماء، ص ۶۷۶ تقریشی، ج ۲، ص ۲۹۱)، اصیغ بن نباته و مالک اشتر نخعی و

جمع آوری کلمات و خطبه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از شهادت ایشان نیز ادامه پیدا کرد و بسیاری از محدثان عامه و خاصه به این امر اهتمام ورزیدند. از محدثان شیعه می‌توان به ابوالمنذر هشام بن محمد بن سائب کلبی (م ۲۰۴ ق) (نجاشی، ص ۴۳۴؛ سید عبدالعزیز طباطبائی، مجله تراثنا، شماره پنجم، ص ۲۲۶) مساعدة بن صدقه (همو، ص ۴۱۵)، سید ابوالقاسم عبد‌العظیم حسنی (نجاشی، ص ۲۴۸؛ علامه حلی، ص ۲۲۶)، اسماعیل بن مهران (نجاشی، ص ۲۷) و صالح بن ابی حماد (همو، ص ۱۹۸) اشاره نمود، و از محدثین عامه می‌توان به محمد بن عمر واقدی (م ۲۰۷ ق) (آقابزرگ طهرانی، ج ۷، ص ۱۹۱)، علی بن محمد مدائی (م ۲۲۵ ق) (ابن‌نديم، فهرست، ص ۱۱۴) اشاره کرد. همچنین عالمان، محدثان و ادباء بسیار دیگری به این امر اقدام نموده‌اند که متأسفانه بیشتر این کتابها در پی آتش‌سوزی کتابخانه‌ها، جنگها و تعصّب‌های مذهبی از بین رفته و به دست ما نرسیده است.

تا اینکه در پایان قرن چهارم، عالم و ادیب فرزانه، سید شریف رضی، ظهور کرد و احادیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام به انتخاب خود تأليف نمود و آن را نهج‌البلاغه نامید. از این جهت که نهج‌البلاغه در بردارنده خطبه‌هایی در غایت فصاحت و بلاغت است، نقطه عطفی برای نوشتمن شرح و تفسیر کلام امیرالمؤمنین و نوشتمن ملحقات، تذییلات و مستدرکات بر این کتاب شد.





قاضی ابویوسف یعقوب بن سلیمان بن داود الاسفراینی (م ۴۸۸ ق) بر نهج البلاغه تذییلی به نام «قلائد الحكم و فرائد الكلم من کلام علی بن ابی طالب علیهم السلام» نوشت که در آن بعضی از کلمات امیر المؤمنین علیهم السلام را که در نهج البلاغه نیامده، گردآورد. (حاجی خلیفة، ج ۲، ص ۱۳۵۳؛ آقابزرگ، ج ۱۶، ص ۳۹؛ سید محسن امین، ج ۸، ص ۱۳۳) خلف بن عبدالمطلب بن محمد، ملقب به مهدی بن فلاح المشعشعی الحوزی نیز مستدرکی دیگر به نام «النهج القويم فی کلام امیر المؤمنین علیهم السلام» تأليف کرد و در آن، بعضی از روایات امیر المؤمنین علیهم السلام را که در نهج البلاغه نیامده، نقل کرد. (آقابزرگ طهرانی، ج ۲۴، ص ۴۲۳) علم الهدی فرزند فیض کاشانی نیز کتابی با نام «معدن الحکمة فی مکاتیب اهل البيت علیهم السلام» نوشت. او نیز در کتاب خود برخی از کلمات و توقعاتی که در نهج البلاغه نقل شده، روایت کرد. (آقابزرگ طهرانی، ج ۲۱، ص ۱۷۷)

از دیگر کسانی که در این عرصه گام نهاده، عالم و محدث ادیب احمد بن ناقه است. وی در میان روایات و خطبه‌های امیر المؤمنین علیهم السلام خطبه‌هایی را انتخاب نموده که در نهج البلاغه نیامده است. همین‌طور در ادامه، برخی از وصیت‌های پیغمبر اکرم علیهم السلام به امیر المؤمنین علیهم السلام، برخی از اخبار در فضائل اهل بیت علیهم السلام و برخی از ادعیه و حرزها را از امیر المؤمنین علیهم السلام نقل کرده است. در اینجا نظری به شخصیت احمد بن ناقه می‌اندازیم.

ابو العباس احمد بن ناقه المسلی الکوفی

سمعانی در الأنساب، انتساب احمد بن ناقه را به مسلی چنین شرح می‌دهد: مسلی به ضمّ میم و سکون سین و در آخر لام، به مسلیة بن عامر بن عمرو بن علّة بن جلد بن مالک بن ادد می‌باشد و مالک همان مذحج است. بسیاری از علماء به این قبیله منسوب‌اند. مسلیة در کوفه واقع است که به همین سبب، بنی مسلیه به کوفی منسوب شدند.

و جماعتی به این محله نسبت داده شده‌اند که از این قبیله نبودند؛ از ایشان احمد بن یحیی بن الناقه المسلی است که در این محله سکنی گزیده بوده است. اسم احمد بن الناقه المسلی در الوافی بالوفیات به اشتباہ، ابن الناقه المیسیکی آمده است.

(صفدی، ج ۸، ص ۱۵۰) گویا حاجی خلیفه در کشف الظنون از صfdی پیروی نموده و به اشتباه المسیکی آورده است. (حاجی خلیفه، ج ۲، ص ۱۶۷۰) سیوطی نیز در بغایۃ الوعاۃ المسیکی آورده است. گویا عمر کحاله نیز در معجم المؤلفین از سیوطی تبعیت نموده است.

۱۴۱

احمد بن ناقه در سال ۴۷۷ به دنیا آمد. وی در طول حیات علمی خود پس از استفاده از بزرگان علم در کوفه، به بغداد - که در آن زمان مرکز علم بوده است - مهاجرت کرد و در آنجا از بزرگان بغداد استفاده نمود. سپس به کوفه مراجعت کرد و در سال ۵۵۹ ق درگذشت. همهٔ شرح حال نگاران سال درگذشت وی را همین سال گزارش کرده‌اند (ابن نقطه، ج ۱، ص ۴۴۲؛ صfdی، ج ۸، ص ۱۵۰؛ حاجی خلیفه، ج ۲، ص ۱۶۷؛ اما ذهبی در سیر اعلام النبلاء سال درگذشت وی را ۵۵۷ ق می‌داند. وی در شرح حال ابن کروس چنین گفته است: «ابن کروس در صفر سال ۵۵۷ ق درگذشت. و در همین سال، ابوالعباس احمد بن ناقه کوفی محدث از دنیا رفت.» (ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۲۰، ص ۳۹۲-۲۹۳) همو در کتاب تاریخ الاسلام روز وفاتش را عید فطر و مکان وفاتش را کوفه می‌نویسد.

جایگاه احمد بن ناقه در میان علماء

ابوالعباس احمد بن ناقه در کتابهای تراجم و رجال، به علم و فضیلت شناخته شده است. ابن‌اثیر جزری پیرامون وی چنین می‌گوید: «احمد بن ناقه شناخته فضیلت و شاعر بود. وی حدیثهای فراوانی شنید و در همین موضوع کتابی تألیف نمود.» (عزالدین ابن‌اثیر جزری، ج ۳، ص ۲۱۲) یاقوت حموی نیز در معجم البلدان چنین کلامی را در وصف احمدبن ناقه می‌گوید. (یاقوت حموی، ج ۵، ص ۱۲۹)

سمعانی که خود شاگرد احمدبن ناقه بوده در وصف وی چنین می‌گوید: «استاد ما استادی فاضل، شاعر و مؤنس با حدیث بود. وی احادیث فراوانی شنید و کتابی در این زمینه تألیف نمود که آن را الامثال نامیده.» (سمعانی، ج ۵، ص ۲۹۶)

عمادالدین کاتب صاحب خریدة القصر و جریدة العصر در توصیفات احمدبن ناقه پس



از نقل شعری از وی به نقل از سمعانی، چنین می‌گوید: «برای او شعری است که از تاریخ سمعانی خواندم... او سرشناس بزرگان، علامه روزگار، و تیزهوش تیزهوشان است و ما از شنیدن اشعار وی لذت می‌بریم.» (عمادالدین کاتب، ج ۱، ص ۲۰۴) همو درباره علم و آگاهی احمدبن ناقه به حدیث چنین می‌گوید: «وی از اصحاب عالی حدیث از اهل کوفه بود.» (عمادالدین کاتب، ج ۱، ص ۲۰۴)

صفدی در الوافی بالوفیات وی را چنین می‌ستاید: «احمد بن ناقه راستگو و دارای طریقه‌ای نیکو بود.» (صفدی، ج ۸، ص ۱۵۰)

ابوبکر محمدبن عبدالغنى البغدادى الحنبلى، معروف به ابن نقطه، در کتاب خود به نام تکملة الإكمال پس از ذکر مشایخ احمد بن ناقه، وی را توثیق می‌کند و محدثی ثقة و مورد اطمینانش می‌خواند «ابن ناقه ثقة و مورد اطمینان بود. حدیث زیادی نوشته و جمع کرد و روایت نمود. گروهی در بغداد و کوفه از وی روایت نقل کرده‌اند.» (ابن نقطه، ج ۱، ص ۴۴۲)

ابو احمد بن محمد در معجم السفر شنیدن و سماع حدیث وی را چنین می‌ستاید: «ابن نه سن زیادی داشت و در کوفه به سلوک در راه نیکو مشهور بود. وی

حدیث را درست می‌شنید و حفظ می‌کرد.» (ابوطاهر السلفی، ج ۱، ص ۴۴۷)

احمدبن ناقه در شعر و ادبیات

همان طور که گذشت، احمد بن ناقه در علم حدیث مقام والایی داشت؛ اما شخصیت وی در همین زمینه خلاصه نمی‌شود. بنابر گزارش شرح حال نویسان، وی در شعر و ادبیات عرب نیز چیره دست بود. الضوء الالمع (ابوالجیر سخاوی، ج ۱، ص ۶۶) خریدة القصر و جریدة العصر (عمادالدین کاتب، ج ۱، ص ۲۰۴) و الوافی بالوفیات (صفدی، ج ۸، ص ۱۵۰) نمونه‌هایی از اشعار وی را نقل کرده‌اند.

احمدبن ناقه به نحو عربی عالم بود. وی نحو را در کوفه فراگرفت و در همین زمینه کتابهایی را تصنیف نمود. صفدی در این رابطه چنین می‌گوید: «احمد بن ناقه دستی در نحو داشت. وی نحو را در کوفه خواند. در همانجا حدیث روایت کرد و در زمینه نحو به تصنیف پرداخت.» (صفدی، ج ۸، ص ۱۵۰) جلال الدین سیوطی نیز در

بغية الوعاة وی را از نحویان می شمرد و کلام صفتی را نقل می کند. (سیوطی، ج ۱، ص ۳۹۵)

احمد بن ناقه در موضوع نحو کتابی با نام المسائل الكوفية للمتأدبة الکرخیة نوشه که در آن ده مسأله را به طور معماًگونه مطرح کرد و سپس به شرح آن پرداخت.

مشايخ و استادان احمد بن ناقه



۱. ابو محمد الحسن بن علی بن عبدالعزیز التککی (سماعی، ج ۵، ص ۲۹۶؛ ذهبي، تاریخ الاسلام، ج ۳۸، ص ۲۱۷)
۲. ابوالقاسم علی بن الحسین الریعی المعروف بابن عربیة (ابن نقطه، باب عربیة).
۳. علی بن محمد بن مسورة. (ابن نقطه، ج ۱، ص ۴۴۲)
۴. محمد بن عبدالباقي بن مجالد البجلي. (ابن نقطه، ج ۱، ص ۴۴۲)
۵. ابوالغنايم محمد بن علی بن میمون النرسی، معروف به ابی النرسی. وی بزرگترین استادان احمد بن ناقه بود. احمد بن ناقه ملازم وی بود؛ به طوری که استفاده بسیاری از وی کرد. (ابن نقطه، ج ۱، ص ۴۴۲؛ ذهبي، سیر اعلام النبلاء، ج ۱۹، ص ۲۷۴)
۶. ابوالبقاء المعمرا بن محمد بن علی الحبال. (سماعی، ج ۵، ص ۲۹۶)
۷. هبّه الله بن أَحْمَدَ الْمُوصَلِي. (ذهبي، تاریخ الاسلام، ج ۳۸، ص ۲۱۶ - ۲۱۷؛ سمعانی، ج ۵، ص ۲۹۶)

پدرش، یحیی بن احمد بن زید بن ناقه المسیلی. (صفدی، ج ۸، ص ۱۵۰)

راویان از احمد بن ناقه

۱. ثابت بن مشرف بن ابی سعد البناء ابوسعید بن شستان. (ابن الدبیشی، ص ۱۵۱ - ۱۵۲؛ ذهبي، سیر اعلام النبلاء، ج ۲۲، ص ۱۵۲ - ۱۵۳)
۲. الحسن بن الدریی. (مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۱۱۲ - ۱۱۳)
۳. ابوالفرج عبد الرحمن بن شجاع بن الحسن بن الفضل الفقيه الحنفی البغدادی. (صفدی، ج ۱۸، ص ۹۰)
۴. عبد الرشید بن محمد بن عبد الرشید بن ناصر ابو محمد الصوفی. (ابن الدبیشی، ص ۲۷۵؛ ذهبي، تاریخ الاسلام، ج ۴۵، ص ۶۴)



٥. عبد السلام بن العالِم الفاضل عبد الله احمد بن بکران. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ٤٥، ص ٣١٩)
 ٦. عبدالله بن جعفر بن هبة الله بن محمد بن عبدالله الشیرف. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ٤٤، ص ٤٤ - ١٥٠؛ ابن الدبیشی، ص ٢١٤)
 ٧. عبد المحمود بن احمد بن علی. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ٤١، ص ٢٤٣)
 ٨. ابو القاسم علی بن محمد بن الحسن بن الطیب الزهری الکوفی. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ٤٢، ص ٣٠٩؛ ابن الدبیشی، ص ٣٠٥؛ ابن نقطه، ج ٤، ص ٤٦٨ حرفاً)
 ٩. غیداق بن جعفر الدیلمی. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ٤١، ص ٢٢٥)
 ١٠. پسرش، ابو منصور محمد بن احمد بن یحیی بن ناقه المسلی. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ٤٢، ص ١٤٢؛ ابن الدبیشی، ص ١١)
 ١١. محمد بن هبة الله بن الحسین بن جزنا ابو منصور التمیمی الکوفی. (صفدی، ج ٥، ص ١٠١)
 ١٢. مختص بن عبدالله الحبشه ابو العز الخادم مولی القاضی ابی جعفر. (ابن الدبیشی، ص ٢٥٣؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ٤٤، ص ٤٦٣ - ٤٦٤)
 ١٣. ابو سعد السمعانی؛ صاحب کتاب الأنساب. (سمعانی، ج ٥، ص ٢٩٦)
 ١٤. مسماز بن العویس. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ٣٨، ص ٢١٦ - ٢١٧)
 ١٥. نصرالله بن محمد بن الحسین الحائری بو نصوّر الکوفی، معروف به ابن مدلل. (ابن الدبیشی، ص ٣٥٥؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ٣٨، ص ٢١٦ - ٢١٧)
 ١٦. ابو الحسن بن المقیر. و هو آخر من روی عنہ بالإجازة. (ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ٣٨، ص ٢١٧)
- آثار احمد بن ناقه
١. «كتاب الوصية». علامه مجلسی طریق حسن بن الدری براى این کتاب را چنین شرح می دهد: «كتاب الوصية تصنیف احمد بن یحیی ناقه کوفی است که حسن بن دری آن را از سید ضیاء از مؤلف روایت می کند». (مجلسی، ج ١٠٤، ص ١١٣)
 ٢. «كتاب الحذف والاضمار». سید ابن طاووس از این کتاب در سعد السعوڈ مطالبی

ذکر می‌کند و فصلی را به مطالب این کتاب اختصاص می‌دهد. سعدالسعود از جزء دوم این کتاب مطالبی پیرامون حذف و اضمار و تفسیر «و كذلك بعثناهم» (کهف (۱۸) / ۱۹) در داستان اصحاب کهف ذکر می‌نماید. (ابن طاووس، سعدالسعود، ص ۲۲۸؛ اثان کلبرگ، ص ۲۸۴)

۳. «المسائل الكوفية للمتازة الكنجية». این کتاب مشتمل بر ۱۰ مسئله است به نحو معماً گونه که به شرح آنها نیز می‌پردازد. (اسماعیل پاشا، ج ۱، ص ۶۸۶؛ عمر کحاله، ج ۲، ص ۱۹۹)

۴. «الامثال في الحديث». ابوسعید السمعانی این کتاب را از تأییفات احمد بن ناقه ذکر می‌نماید.

۵. مستدرک نهج البلاغه. از این کتاب سه نسخه خطی بر جا مانده است که ملحق به نسخه‌های خطی نهج البلاغه است.

مستدرک احمد بن ناقه

مستدرک احمد بن ناقه از جمله کتابهایی است که اهمیت آن با مراجعه و خواندن آن آشکار می‌گردد، چنان‌که مستدرک بودن این کتاب بر نهج البلاغه و دارا بودن روایات که در نهج البلاغه نیست، جلوه‌ای دیگر از اهمیت آن می‌باشد.

نخستین روایتی که احمد بن ناقه در این کتاب ذکر می‌کند خطبه الدرة اليتيمة در موضوع توحید می‌باشد. این خطبه که از امام علی علیہ السلام صادر شده، در هیچ مصدری از مصادر حدیثی موجود به نحو کامل ذکر نشده است. علامه طهرانی در الذریعة به این مطلب اشاره می‌کند. همچنین از کلام ابن شهرآشوب چنین برداشت می‌شود که این خطبه در عصر وی مشهور بوده است، ابن شهرآشوب در کتاب مناقب آل ابی طالب علیہ السلام چنین می‌گوید: «از خطباء علی بن ابی طالب علیہ السلام است که ایشان فصیح ترین و خطیب ترین ایشان است. برای نمونه به خطبه‌هایی مانند التوحید، شقشقیّه، هدایه، ملاحِم، لولؤة، غراء، قاصعة، افتخار، أشباح، الدرة اليتيمة و ... مراجعه کن.» (ابن شهرآشوب، ج ۱، ص ۳۲۵)

همان‌طور که گفته شد، این خطبه در هیچ یک از مصادر حدیثی موجود



نمی باشد؛ اما قسمتهای مختلفی از این خطبه در برخی از کتابها نقل شده است که بدانها اشاره می کنیم:

سلّمی در تفسیر خود، قسمت کوتاهی از این خطبه را در ذیل آیه «و لا يحيطون به علمًا» (طه ۲۰ / ۱۱۰) ذکر می کند: «و كييف يدرك شيء من صفات من الجهات لا يضمنه... بل هو موجود كلّ موجود و خالق كلّ موجود، جلّ و تعالى». (سلمی، ج ۱، ص ۳۶)

طبرسی در کتاب الاحجاج قسمتی از عبارات این خطبه را نقل و به امیر المؤمنین منسوب می کند: «و قال عليه السلام في خطبة أخرى: دليله آياته، وجوده إثباته، و معرفته توحيده... كلّ ما تصور فهو بخلافه.» (طبرسی، ج ۱، ص ۲۹۹؛ مجلسی، ج ۴، ص ۲۵۳)

حسن بن علی سقاف در کتاب خود به نام شرح العقيدة الطحاویة قسمت دیگری از این کلمات را نقل می نماید و آن را به بعضی از علماء نسبت می دهد: «أَلْزَمَ اللَّهُ الْخَلْقَ الْحَدِيثَ... هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ، الْقَرِيبُ الْبَعِيدُ، «الَّذِي لَيْسَ كَمُثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» انتہی. (السقاف، ص ۲۵۹ - ۲۶۰)

تحف العقول برخی از کلمات این خطبه را با اختلافاتی ذکر می نماید: «خطبته عليه السلام في إخلاص التوحيد: إنَّ أَوَّلَ عِبَادَةَ اللهِ مَعْرِفَتُهُ... وَ لَا فِي الْمَسَأَةِ عَنْهَا جَوابٌ.» (حرانی، ص ۶۱ - ۶۷)

شیخ مفید در الارشاد همین قسمت از کلام امیر المؤمنین عليه السلام را نقل می کند: «أَوَّل عِبَادَةَ اللهِ مَعْرِفَتُهُ... وَ بِقَارَنَتِهِ بَيْنَ الْأَمْرَوْنَ عِلْمٌ أَنْ لَا قَرِينَ لَهُ.» (مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۲۲۳)

روضه الواعظین نیز عبارت پایانی این خطبه را نقل می کند: «و قال أمير المؤمنين عليه السلام: بصنع الله يستدلّ عليه...» (فتال نیسابوری، ص ۲۰)

شیخ صدقه روایتی از امام رضا علیه السلام در موضوع توحید نقل می کند که نزد مأمون عباسی ایراد شده است. متن این خطبه بسیار نزدیک و شبیه به قسمت پایانی خطبه الدرة الیتیمة می باشد. امام رضا علیه السلام چنین فرموده است: «أَوَّلَ عِبَادَةَ اللهِ مَعْرِفَتُهُ... وَ لَا فِي الْمَسَأَةِ عَنْهَا جَوابٌ.» (صدقه، التوحید، ص ۳۴ - ۴۱؛ همو، عيون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۳۵ - ۱۳۸؛ همو، امالی، ص ۲۲ - ۲۴؛ طبرسی، ج ۲، ص ۱۷۴ - ۱۷۸؛ مجلسی، ج ۴، ص ۲۲۷ - ۲۳۰؛ جزائری، ج ۱، ص ۱۹۵ -

۲۰۰) این مقدار از خطبه با اختلاف اندکی در الدرة اليتيمة دیده می شود؛ اما در انتهای روایت امام رضا علیه السلام قسمتی علاوه بر آنچه در الدرة اليتيمة است وجود دارد: «وَ لَا فِي مَعْنَاهُ تَعْظِيمٌ... وَ خَسِرُوا خَسِرَانًا مُبِينًا وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ». در اینجا احتمال می رود امام رضا علیه السلام گفتار جدّ بزرگوارشان امام علی علیه السلام را نقل کرده، سپس این قسمت مذکور را که در الدرة اليتيمة نیست، اضافه نموده است و یا اینکه این قسمت اضافه نیز از کلام امیر المؤمنین علیه السلام در خطبه الدرة اليتيمة است که در نقل راویان افتاده است.

از خطبه های دیگری که احمد بن ناقه در این کتاب ذکر می کند، خطبه اقالیم می باشد. ابن شهرآشوب این خطبه را چنین توصیف می کند: «امیر المؤمنین علیه السلام در خطبه اقالیم ویژگیهای هر اقلیمی را ذکر می کند، سپس به شرح وقایع بعد از هر ده سال می پردازد؛ از درگذشت پیغمبر اکرم علیه السلام تا سیصد و ده سال پس از آن و به فتح قسطنطینیه، صقالبه، اندلس، حبسه، نوبه، ترک، کرك، مل، حیسل، تاریس، صین و به دورترین شهرهای دنیا اشاره می کند». خطبه اقالیم نیز نه در نهج البلاغه و نه در مستدرکات نهج البلاغه ذکر نشده است. علامه آقا بزرگ طهرانی درباره این خطبه چنین می گوید: «خطبه اقالیم خطبه ای است بزرگ در ملاحم از امیر المؤمنین علیه السلام. این خطبه را سید رضی در نهج البلاغه نیاورده، چنان که در هیچ یک از مستدرکهای تألیف شده در این عصر وجود ندارد.» (آقا بزرگ، ج ۷، ص ۱۹۸-۱۹۹)

یادآوری می شود که با قرائتی که در این خطبه وجود دارد، به اتحاد خطبه اقالیم و خطبه بیانی که امیر المؤمنین علیه السلام در کوفه ایراد فرموده است، پی می بریم؛ چرا که اصیغ بن نباته در ابتدای روایت چنین می گوید: «کسی را حافظتر از خود برای خطبه وداع که نامش خطبه اقالیم و بیان در کوفه است، نمی دانم.» (ابتدای خطبه اقالیم) در وجه نامگذاری این خطبه به خطبه اقالیم و خطبه بیان، می توان چنین گفت که این خطبه به اعتبار ذکر فتنه های اقلیمهای مختلف و اسماء اصحاب امام زمان علیه السلام در اقالیم مختلف، به خطبه اقالیم نامیده شده و به اعتبار بیان ملاحم و فتن و علائم



ظهور به خطبه بیان نامیده شده است.

خطبه دیگری که در مستدرک احمد بن ناقه وجود دارد و در نهج البلاغه و مستدرکات دیگر نهج البلاغه یافت نمی شود، خطبه بیان است که امام علی علیه السلام آن را در بصره ایراد فرمودند. مؤلف الزام الناصب در کتاب خود خطبه بیان در بصره را از امیر المؤمنین علیه السلام از دو نسخه نقل می کند (حائری، ج ۲، ص ۱۷۸ - ۲۲۲) که اختلافات آن با آنچه در مستدرک احمد بن ناقه است، بسیار زیاد می باشد.

وجه نامگذاری این خطبه به بیان نیز آن است که بنابرگفتة مالک اشتر این خطبه را خود امیر المؤمنین علیه السلام به خطبه البیان نامگذاری نمودند: «امیر المؤمنین علیه السلام خطبه بلیغی ایراد فرمود که آن را خطبه البیان نامید.» (ابتدای خطبه بیان) از فائدہ های دیگر این کتاب آن است که برای خطبه مونقه که حالی از الف است، سندی ذکر شده است که در مصادر حدیثی دیگر وجود ندارد.

نسخه های مستدرک احمد بن ناقه

قبل از هر چیز باید به این مطلب اشاره کرد که مستدرک احمد بن ناقه به پایان سه نسخه خطی که از نهج البلاغه به جا مانده، ملحق شده است. ویرگیهای این سه نسخه عبارت است از:

1. نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی که به شماره ۱۸۶۰ نگهداری می شود. این نسخه به خط نسخ در ۱۶۱ ورقه که در هر صفحه ۲۳ سطر می باشد، به کتابت در آمده است. مستدرک احمد بن ناقه ملحق به این نسخه از نهج البلاغه است و از ورقه ۱۳۵ شروع و تا ۱۶۱ به اتمام می رسد.

کاتب نسخه و مستدرک، محمد بن محمد بن حسن الطویل الصفار الحلی است که نسخه را در شهر واسط نوشته است. بر اساس گزارش کاتب، کتابت نهج البلاغه را در روز پنجم شنبه ۱۲ جمادی الآخرة سال ۷۲۹ ق به اتمام رسانده و کتابت جزء (کتاب احمد بن ناقه) را در روز چهارشنبه ۱۸ جمادی الآخرة همان سال به اتمام رسانیده است. نسخه مذکور نسخه های است اعراب گذاری شده و متن آن کامل می باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَطَبَّ عَلَيْهِ
الْخُطْبَةُ الْمُعْرَفَةُ بِالْمَرْدَقِ الْيَتَمِّيِّمِ
بِنَ حَلَمِ الْأَكْمَمِ الْمُوْمِينِ عَلَيْنِ الْأَطَابِ
صَلَواتُ الرَّبِّ عَلَيْهِ

١٤٩

أَبْيَدَ اللَّهُ حِدْمَتَهُ فَكَانَ مِنْ حَارِبِهِ مِنْ أَنْ تَشَاءُ شَاءَ وَجَزَّ الْأَبْيَادَ إِلَيْهِ الْأَرْضَ
وَالْأَيَادِ وَالْأَرْبَدِ وَالشَّرَوْدِ الْأَنْعَمِ وَالْأَصْرَ وَالشَّجَونُ وَالْيَوْمَ وَالْأَرْوَاحِ وَالْأَهْمَامِ وَالْأَنْسَرِ
وَالْأَنْثَيَايِّنِ وَالْأَرْدَمِ دَلَّ كُلُّ جَاهِدٍ إِذَا هُدِيَ لِلْجَاهِيَّةِ مَنْ كَانَ مُؤْمِنَ طَلَبَتْ بِعِيْمَةَ
وَالَّذِي يَلْتَمِمُ طَهُونَ فَأَعْصَمَ بَلْعَمَهُ وَالَّذِي يَأْدُو أَنْجَاتَهُ فَتَوَاهَا سُكَّهُ وَالَّذِي يَجْعَدُهُ
وَفَتَسِيْرَهُ وَفَتَسِيْرَهُ وَالَّذِي يَسْقِي الْعَدْمَ وَمَجْوَهُ فَأَخْلَقَهُ الْمُهْمَهُ حَلَّ كَلَهُ وَالَّذِي يَغْيِمُهُ
عَيْنَ فَالصَّرْوَهُ كَيْسَهُ وَالَّذِي يَقْعِمُ بِالْأَعْصَمِ إِلْكَفَهُ وَالَّذِي يَشْبَهُ بِالْأَوْصَفَ
يَحْلُّ صَفَتَهُ وَالَّذِي يَعْرِفُ الْعَرْسَنَ الْأَطْلَبَ مَرْسَلَتَهُ وَالَّذِي يَجْلِي فِي الْحَلَمِهِ صَبَبَهُ وَالَّذِي
يَسْعَى خَلِيلَهُ فَالْعَجَنِيْلَهُ وَالَّذِي يَشَالَ يَعْتَوْنَ فَالْعَقْلَيْصَهُ وَالَّذِي يَوْمَرِيْظَهُ بِيُو
فَالْمَصْوِرِ وَرَقَهُ وَالَّذِي يَسْكُنْ حَوْرَيْعَتَهُ جَوَهَرَهُ وَالَّذِي يَنْقَشِقُ شَيْئَيِّهِ فِي الْمَيَّا فَاقَهُ
وَالَّذِي تَحْجِمُهُ زَرَّ وَالَّذِي يَسْلِكُ بَيْخَرَلَهُ وَالَّذِي يَسْلُكُ سُرَّهُ وَالَّذِي يَدْكُرُ دِيْكَرَهُ فَلَهُ
الْأَسْلَانُ وَالَّذِي يَلْجُوْفُ يَقُولُ قَضَطْرَهُ وَالَّذِي يَغْتَبِرُ يَدْلُهُ مُشَعْرُلَهُ وَالَّذِي يَمْشَأَوْنَ
يُحَدِّثُ فَقَاعِصَ فَشَارَكَ اللَّهُ عَنْ كُلِّ مَا ذَكَرَهُ أَهْظَهُ وَلَأَبْعُدَهُ أَخْلَفَهُ مُسْبَخَانَ الْمَهَابَاتِ
لَأَنْصَتَهُ الشَّابَاتِ لَكَدْنَهُ وَالْأَفَاتِ لَكَدْنَهُ وَمَصْوَعَانَهُ لَكَدْنَهُ وَالْأَسْنَاتِ لَاتِّيَهُ
وَالْأَدَلَهُ لَأَنَوْدَيَهُ وَالْتَّاجِهُ لَكَفْعَيْهُ لِيَسْرَكَ الْأَمَانَ عَنْكَلَهُ كَلَمَانَهُ دَيَّشَهُ وَلَكَلَهُ
الْمَلِيَّهُ مَلَكَتَهُ وَلَالْأَعْنَاتَ وَلَهَذَهُ لَرَهُونِيَّهُ وَلَهَيْجَهُ وَلَهَيْجَهُ كَلَعَنِيَّهُ مَهْجَوْنِيَّهُ
وَغَارِفُ وَمَعَرِوفُ وَرَاسِّهِمُ عَلَيْهِ فَوَحَطَرَ كَلَعَنِيَّهُ مَهْجَوْنِيَّهُ عَلَيْهِ يَلَرَهُ وَمَنْ زَاهَهُ مَحَلَّهُ دَيَّرَهُ مَنْ
ضَمَهُ مُوْهَرَهُ دَاهَجَرَهُ بَرَّهَائِمَهُ أَسَانَهُ الْغَزَلَ وَمَنْ كَانَ لَهُ جَسَ طَالَهُ الْكِفَ وَمَنْ زَاهَهُ فَرَوَالَهُ
الْغَيْرَهُ كُلَّ قَاهَهُ لَرَسَهُ بَرَعَهُ دَكَلَهُ عَيْنَهُ طَرَقَهُ وَكَلَظَهُ عَيْنَهُ مَهَاشَنَهُ وَمَيْهُ
مَنْ غَيَّرَهُ مَلَقَادَهُ وَهَدَيَهُ مَنْ عَرَيْهُ اِيَّاهُ وَكَلَاهُ مَنْ عَيْهُ عَيْنَهُ مَاهَهُ وَمَيْهُ حَسَرَهُ وَمَهَشَهُ

«صفحة اول از نسخه مذکور»



سال هم / شماره ۳۷ / زمستان ۱۳۹۱ فریاد

بِيَوْمِ حِسْنٍ مُسْتَمِشِنِ الْحَلَقِ الْعَالَىٰ فَيَدْرِعُونَ لِلَّهِ وَفِيهِ أَذْخَى الرُّؤْبَىٰ وَنَهَىٰ أَعْزَقَهُ
اللَّهُ أَنْ يَجْزِرَ وَفِيهِ اشْتَىٰ النَّارَ يَوْمٌ عَلَىٰ إِسْلَامٍ وَفِيهِ طَرْجُجٌ لُوسْفَىٰ فِي الْجَبَىٰ وَفِيهِ
الْمُغْمَىٰ الْحَوْلُ لِيَوْمَنِ بَرَقٍ وَفِيهِ خَلَقَ اللَّهُ الظَّالِمَهُ وَالْمَرْعَادَ وَيَوْمَ الْحَبَبِ طَلَبَ الْحَوَاجِجَ
مِنَ النَّاسِ وَالْحَوْلُ عَلَىٰ إِلَّا طَلَانٌ لَا يَأْبِي هِيمَ الْحَلَلَ عَلَيْهَا إِسْلَامٌ دَحَلَ عَلَىٰ الْمَرْوَدِ بَغْوَانَ
فِي حَاجِجٍ فَقَضَاهُمُ اللَّهُ وَفِيهِ خَلَقَ اللَّهُ الْمَكَاحَ وَالْفَلَامَ وَجَنَّهُ الْعَرْدُوسَ وَفِيهِ سَجَاهُ اللَّهِ مِنَ الْأَنَارِ
وَفِيهِ رَعْ اَدْرِيسَ وَلَعْنَ الدَّبَّىٰ وَيَوْمَ الْجَمَعَهُ لَوْمَ بَهَارَلَ بَعْدَمَ نَسْتَخَابَ فِيهِ الدَّاعِلَهُ
وَنَعْنَلَ فِيهِ التَّوَبَاتَ وَهُوَيَوْمُ الْمَكَاحَ وَمَرَأَهُ الْمَزَانَ وَالْمَزَهَدَ وَالْمَعَادَاتَ كَاهِلَ الْحَفْظَ
وَصَبَرَىٰ حَمَاعَهُ قَطْنَهُمَا فَلَجَجَ بَرِيلَ عَلَيْهِ اَسْتَدَمَ وَعَلَيْهِمَا اَسْطَعَتَ ۵

آمَامِ رَضا

وَهُوَ

الرَّصِيَّهُ وَالْمَحْمَدُ لَهُ رَبُّ الْعَالَمَينَ

وَالصَّلَوةُ عَلَىٰ سَلَامٍ عَلَىٰ اَدَرَسِ الْعَرَبِ وَالْعَرَبِ وَالْمَسْمَعِ عَلَىٰ اَسْدِ السَّرِّ

الصَّادِقِ اَلْعَزِيْزِ وَعَلَيْهِ اَلْبَرِ وَالْمَحْمَدِ وَالْمَلِكِ الْمُبِينِ

وَالْمَوْلَعِيَّهُ وَالْمَسْمَعِيَّهُ وَالْمَسْمَعِيَّهُ وَالْمَسْمَعِيَّهُ

هَذِهِ الْمَصَرُ وَهُوَهُ وَهُوَهُ وَهُوَهُ وَهُوَهُ وَهُوَهُ

صَفَطَهُ وَلَكَهُمَا فَلَحْمَهُمَا فَلَحْمَهُمَا شَبَاهَهُمَا شَبَاهَهُمَا

وَالْطَّافَهُ وَكَانَ الْفَرَاغُ مِنْهُمْ فِي يَوْمِ الْأَرْبَعَهُ اَمَرَعَ جَهَنَّمَ

نَعَ وَعَرَرَ وَعَرَجَ عَلَىٰ اَهْلِ الْهَلَالِهِ وَكَمَ اِيْطَاكَاهُ لِلْفَتَحِ

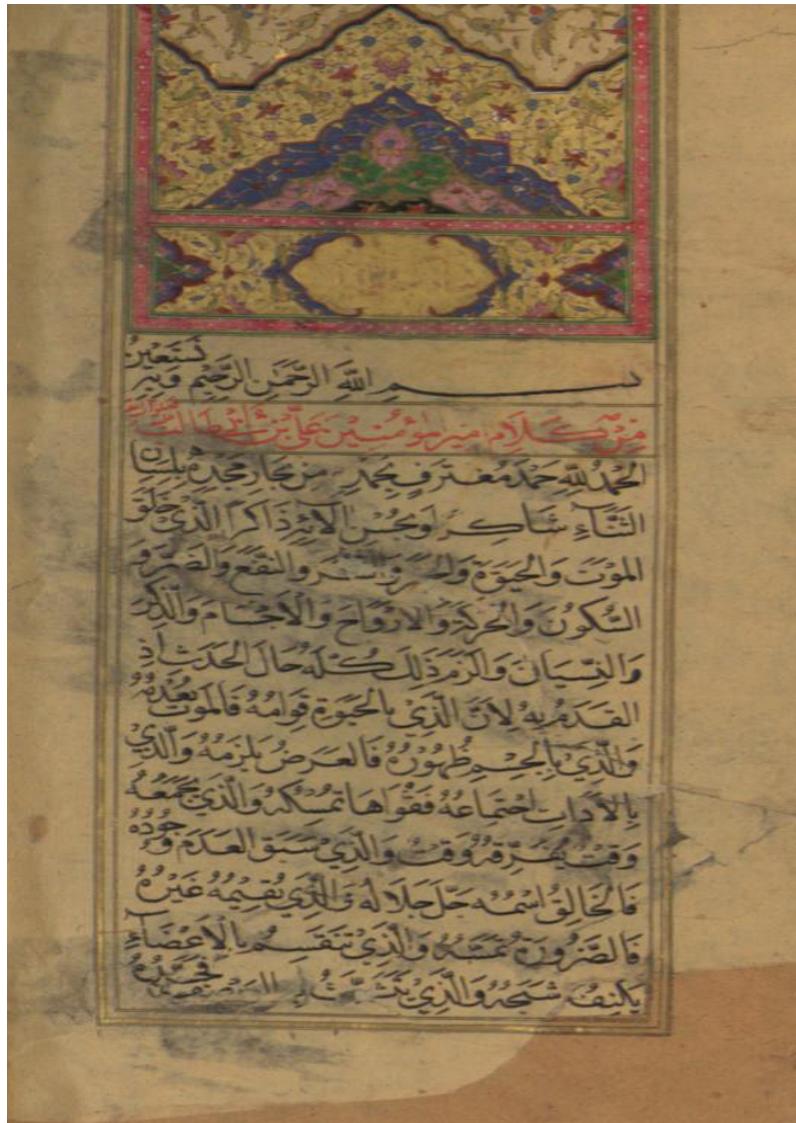
حَمِيلَ وَحَمِيلًا وَمِنْهُمَا وَمِنْهُمَا وَمِنْهُمَا وَمِنْهُمَا وَمِنْهُمَا

وَمِنْهُمَا وَمِنْهُمَا وَمِنْهُمَا وَمِنْهُمَا وَمِنْهُمَا وَمِنْهُمَا وَمِنْهُمَا

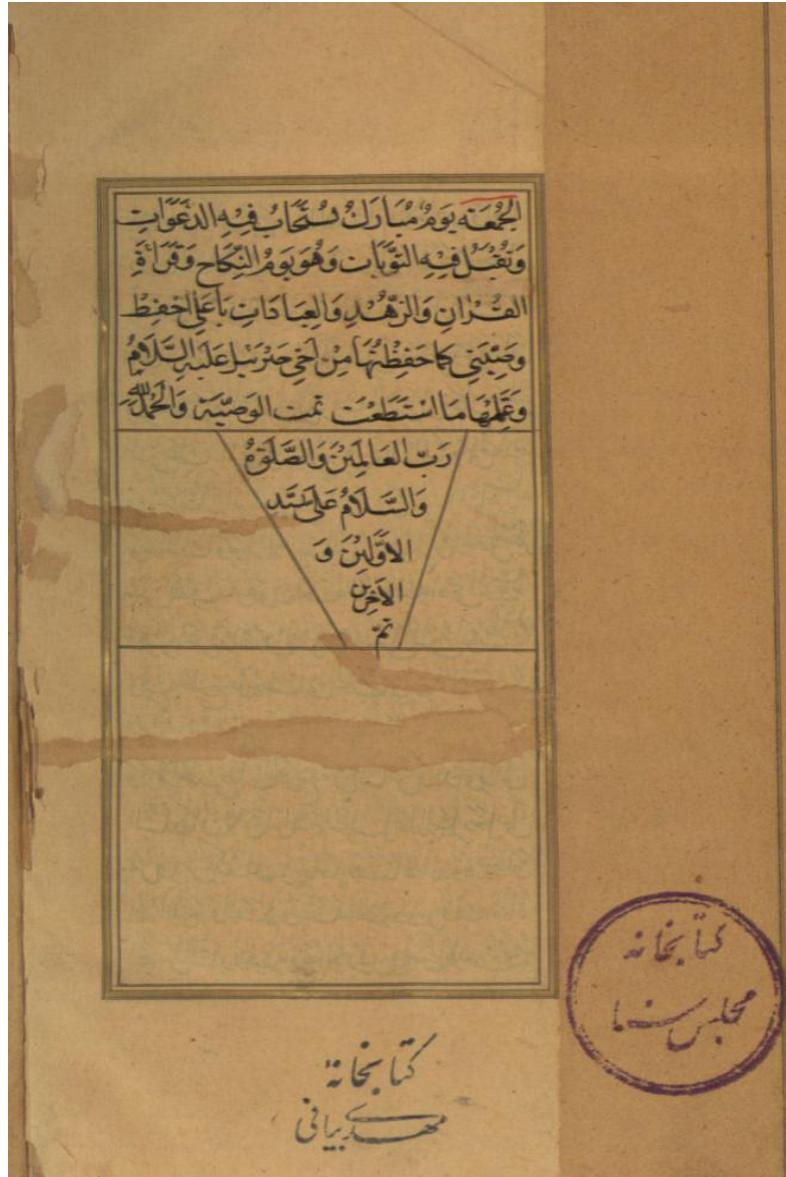
«صفحة آخر از نسخه مذکور»

۲. نسخه کتابخانه مجلس (سنا) در تهران. این نسخه که به شماره ۷۲۳۳ نگهداری می‌شود به خط نسخ در ۳۴۴ ورقه و در هر صفحه ۱۷ سطر نوشته شده است. مستدرک به این نسخه از نهج البلاغه ملحق است و از ورقه ۲۷۹ شروع و تا ورقه ۳۴۴ پایان می‌یابد. کاتب نسخه محمد باقر بن ابی الفتوح الحسینی الموسوی شهرستانی است که نهج البلاغه را در روز پنجم شنبه شعبان ۱۰۸۶ ق به کتابت در آورده است. اما خط نهج البلاغه و خط مستدرک ملحق یکی است که در نتیجه، کاتب مستدرک همان کاتب نهج البلاغه می‌باشد. اما به تاریخ اتمام کتابت مستدرک تصریحی نکرده است. این نسخه اعراب‌گذاری شده و متن آن نیز کامل است. تصویر صفحات آغاز و پایان این نسخه را در صفحه بعد ملاحظه کنید.

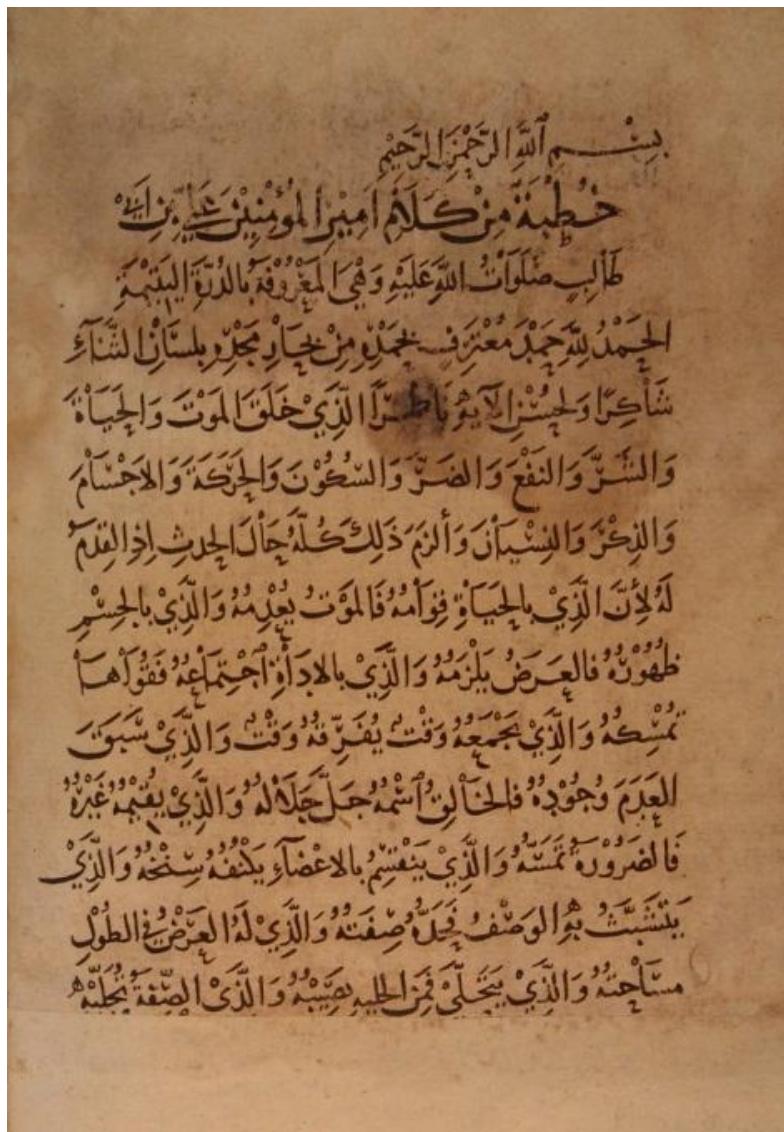
۳. نسخه کتابخانه آیت‌الله بروجردی که به شماره ۱۵۷ نگهداری می‌شود. این نسخه به خط نسخ و در ۲۴۴ ورقه و در هر صفحه ۱۷ سطر نوشته شده است. مستدرک از ورقه ۲۳۸ الی ۲۴۳ موجود است و باقی نسخه ناقص است. کاتب نسخه ذکر نشده؛ اما نهج البلاغه را از خط الشیخ الحسن بن یحیی بن کرم در ماه رمضان سال ۶۴۷ ق نوشته است. این نسخه قدیمی ترین نسخه‌های سه‌گانه، اما ناقص است؛ چراکه کل نسخه از پایین ناقص و مرطوب است و متن نهج البلاغه ترمیم و تصحیح شده؛ ولیکن مستدرک این ناقه به حال خود ناقص و مخروم مانده است.



«صفحة اول از نسخه مذکور»



«صفحة آخر از نسخه مذکور»



«صفحة اول از نسخه مذکور»

بِرَبِّهِ مَعَالِمُهَا مِنْهَا الْعِدْمُ وَجَهْتُهَا إِلَارْكِيَّةُ عَنْ نُوْهِمْ حَعِيفِهِ الْبَرْوَ
 قَلْوَلَأَنَّ الْحَكْلَةَ أَفْرَقَتْ فَدَلَتْ بِلَاهَ مُغْرِفَهَا وَبَنَانَشَ فَاغْرَسَ
 عَنْ مِسَائِنَهَا لَتَبْجِيلِيَّ مَسَائِنَهَا لِلْعُقُولِ وَبَنَاهَا أَجْبَجَهَ عَنْ الْوَبِرِّ وَالْإِلَهِ
 بَحَارَ تَخَالُمُ الْأَوْقَلَمُ وَبَعِيَا ازْبَطَ الدَّلِيلَ الْمَعْقُولُ لَأَيْمَانَ الْأَدَمِ
 سَصِيرَفَ لَأَنْصَرَبَنَى الْأَبَاقِيَّرَ وَلَادِينَ دَانَمَانَ قَلَادَلَدَ الْأَعْدَمَ
 مَعْرَفَهَ لَأَمْعَرَفَهَ الْأَبَاجِلَهَ لَأَرَهَ وَلَأَخَلَمَهَ لَأَنْهَ لَأَنَّهَ
 اشَّاتَ الصِّنَافَاتَ السَّبُبِيَّهَ كَلَمَانَ الْعَالَمَ لَأَنَّ عَبِيرَهَ جَوْهَرَهَ
 صَانِفَهَ وَحَلَلَهَ أَمْحَنَ بَيْهَ سَحَلَهَ حَادِهَ لَوْجَهَ وَلَلْجَلَدَهَ
 أَمَامَهَ وَلَوْ الْمَسَّ لَهَ الْمَسَّ لَلْمَنَمَهَ الْمَغَفَهَ لَهَ بَسَهَ بَسَهَ يَلَانَهَ

«صفحة پایانی از نسخه مذکور»



منابع

١. ابن اثير جزري. الباب في تهذيب الأنساب. بيروت: دار صادر.
٢. ابن النديم. الفهرست. تحقيق: رضا تجدد.
٣. ابن دبیشی. المختصر من تاريخ ابن الدبیشی. اختصره محمد بن أحمدين عثمان الذهبی. تحقيق: مصطفی عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٧ ق.
٤. ابن حاتم عاملی. الدر النظيم. قم: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجامعة المدرسين.
٥. ابن طاووس حلی. سعد السعود. قم: مشورات الرضی، ١٣٦٣ ق.
٦. ابن نقطه، ابوبکر محمد بن عبدالغنى البغدادی الحنبلی. تکملة الاكمال. تحقيق: دکتر عبد القیوم عبد الرّبّ النبی، مکة: مرکز احیاء التراث الاسلامی، ١٤٠٨ ق.
٧. ابوالبرکات محمد بن أحمد الدمشقی الباعونی الشافعی. جواهر المطالب. تحقيق: شیخ محمد باقر محمودی، قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ١٤١٥ ق.
٨. ابوالعباس أحمد بن على بن العباس نجاشی. فهرست أسماء مصنفی الشیعة (رجال نجاشی). تحقيق: سید موسی شیری زنجانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين، ١٤١٦ ق.
٩. ابوسعید عبدکریم بن محمد بن منصور تمیمی سمعانی. الانساب. تقدیم و تعلیق: عبدالله عمر البارودی، بيروت: دارالجنان للطباعة والنشر والتوزیع، ١٤٠٨ ق.
١٠. ابوطاهر احمد بن محمد السلفی. معجم السفر. تحقيق: عبدالله عمر البارودی. مکة المکرمة: المکتبة التجارية.
١١. آقاپرگ طهرانی. الذریعة. بيروت: دارالاصوات، بيروت: ١٤٠٣ ق.
١٢. امین، سید محسن. ایyan الشیعة. تحقيق و تخریج: حسن امین، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.
١٣. بغدادی، اسماعیل پاشا. هدیة العارفین، أسماء المؤلفین و آثار المصنفین. إستانبول: ۱۹۵۱ م. افسـت بيروت: دار إحياء التراث العربي.
١٤. حاجی خلیفه. کشف الظنون عن أسامی الكتب و الفتوح. مقدمة: آیة الله العظمی السيد شهاب الدین النجفی المرعشی، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
١٥. جزائری، سید نعمت الله. نور البراهین اوایس الوحید فی شرح التوحید. تحقيق: سید مهدی رجائی مؤسسة

النشر الاسلامي، ١٤١٧ ق.

١٦. ذهبي، محمدبن احمدبن عثمان. تاريخ الاسلام. تحقيق: دكتور عمر عبد السلام تدمري. بيروت: دار الكتاب العربي، ١٤٠٧ ق.

١٧. — سير اعلام النبلاء. تحقيق: حسين الاسد، اشرف بر تحقيق و تخريج احاديث: شعيب الارنؤوط، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤١٣ ق.

١٨. سخاوي، ابوالخير محمدبن عبد الحمن. الضوء الالمعم. ٩٠٢ ق.

١٩. شلّمي. تفسير السلمي. تحقيق: سيد عمران. بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢١ ق.

٢٠. صفدي. الوافي بالوفيات. تحقيق: احمد الارنؤوط و تركي مصطفى، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤٢٠ ق.

٢١. طوسي، ابوجعفر محمدبن الحسن. الفهرست. تحقيق: الشيخ جواد القيوسي، مؤسسة نشر الفقاهة في ايران، شعبان معظم ١٤١٧ ق.

٢٢. علامه حلی. خلاصة الاقوال في معرفة الرجال. تحقيق: الشيخ جواد القيوسي، مؤسسة نشر الفقاهة في ایران، عبدالغذیر، ١٤١٧ ق.

٢٣. عماد الدين كاتب، محمدبن محمد. خربدة القصر وجريدة العصر. تحقيق: عمر الدسوقي و على عبد العظيم. المجمع العلمي العراقي.

٢٤. كمال، عمر رضا. معجم المؤلفين. بيروت: مكتبة المشنوي و دار إحياء التراث العربي.

٢٥. كلبرگ، إitan. كتابخانه ابن طاووس واحوال و آثار او (فارسی). ترجمه: سید علي قرائی و رسول جعفریان، قم: مکتبة آیة الله العظمی المرعشی النجفی، ١٣٧١ ش.

٢٦. مجلسی، محمد باقر. بحار الأنوار الجامعة للدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام. بيروت: مؤسسة الوفاء، ١٤٠٣ ق.

